



## A Reading on the Professional Ethics of Teachers in the Level of Nahj Al-Balaghah

Maryam Esfahani <sup>1\*</sup>, Batol Shahi <sup>2</sup>

1 Education

2 Alzahra University

\* **Corresponding author:** Education

**Received:** 2021-05-06

**Accepted:** 2021-05-11

### Abstract

One of the branches of ethics knowledge that has recently found a place in Iran is the field of professional ethics, which needs to be paid more epistemological attention. One of the rich sources in professional ethics is the teachings of Islam. But recognizing and promoting professional ethics based on Islam is not possible without analyzing the moral teachings of Nahj al-Balaghah. Considering this important point, in the present study, we intend to examine the principles of teacher professional ethics in the valuable book of Nahj al-Balaghah using the method of documentary analysis. The results show that Imam Ali (AS) has always paid attention to the discussion of ethics and moral principles and in many cases, his agents and companions, in particular and all human beings over time have commanded to observe them. The result of this kind of view of Nahj al-Balaghah leads us to the point that teachers, first of all, are fully aware of the moral teachings in every subject they are working on; Secondly, they should be inspired by their educational models in order to be effective in their work, and they should also be characterized by the necessary monotheistic knowledge and insight. The result of this approach by educators will be that educators, in any specialized field they are studying, look at religious-moral knowledge as a necessary knowledge for life, and become professional and committed people.

**Keywords:** Ethics, Teacher, Committed, Expert, Nahjul Balagha



## خوانشی بر اخلاق حرفه ای معلم در تراز نهج البلاغه

مریم اصفهانی<sup>۱\*</sup>، بتول شاهی<sup>۲</sup>

<sup>۱</sup>آموزش و پرورش

<sup>۲</sup>دانشگاه الزهرا

\* نویسنده مسئول: آموزش و پرورش

تاریخ پذیرش مقاله: ۱۴۰۰/۰۲/۲۱

تاریخ دریافت مقاله: ۱۴۰۰/۰۲/۱۶

### چکیده

یکی از شاخه های دانش اخلاق که به تازگی در ایران جایگاهی پیدا کرده، حوزه اخلاق حرفه ای است که لازم است از لحاظ معرفتی بیشتر به آن توجه شود. یکی از منابع غنی در اخلاق حرفه ای، آموزه های دین مبین اسلام است. اما شناخت و ترویج اخلاق حرفه ای بر مبنای اسلام، بدون تحلیل آموزه های اخلاقی نهج البلاغه امکان پذیر نیست. با توجه به این مهم، در پژوهش حاضر برآنیم تا با استفاده از روش تحلیل اسنادی، اصول اخلاق حرفه ای معلم را در کتاب ارزشمند نهج البلاغه بررسی کنیم. نتایج نشان می دهد که امام علی (ع) همواره به بحث اخلاقیات و اصول اخلاقی توجه داشته اند و در موارد فراوانی، کارگزاران و یاران خود، به طور اخص و تمامی انسان ها را در طول زمان به رعایت آنها فرمان داده اند. ماحصل این نوع نگاه به نهج البلاغه ما را به این سمت و سو سوق می دهد که معلمان اولاً در هر زمینه درسی که مشغول به فعالیت هستند، از معارف اخلاقی خودآگاهی کامل داشته باشند؛ در ثانی از الگوهای تربیتی آنها در راستای اثربخشی کار خویش الهام بگیرند و همچنین خود متصف به معارف و بینش توحیدی لازم باشند. نتیجه اتخاذ این رویکرد از جانب مربیان این خواهد بود که متربیان، هم در هر حوزه تخصصی که مشغول به یادگیری هستند، به معارف دینی- اخلاقی به عنوان معرفتی ضروری برای زندگی نگاه می کنند و هم افرادی متخصص و متعهد بار می آیند.

**واژگان کلیدی:** اخلاق، حرفه ای، معلم، متعهد، متخصص، نهج البلاغه

تمامی حقوق نشر برای فصلنامه رویکردی نو در علوم تربیتی محفوظ است.

### بیان مسئله

تربیت اخلاقی اصطلاح عامی است که در ذیل آن می توان رویکردها<sup>۱</sup>، تعاریف<sup>۲</sup>، اصول<sup>۳</sup>، اهداف<sup>۴</sup> و روش های<sup>۵</sup> مختلفی را متصور شد؛ اما با وجود این تفاوت در جهت گیری ها، همه نظام های آموزشی برای عینیت بخشیدن به رویکرد خود در تربیت اخلاقی محتاج هستند که از چارچوب مشخصی پیروی نموده و نقشه راه صریحی را تعقیب نمایند. در حقیقت سه رکن اساسی در تعلیم و تربیت که در تعامل طبیعی با هم فرایند تربیت به معنای عام و تربیت اخلاقی به معنی خاص را تشکیل می دهند

عبارتنداز: معلم، شاگرد و محتوی تربیتی. این سه رکن در جهت رسیدن به هدف که همانا تربیت اخلاقی صحیح است، اصالت دارند و صحت هر یک و چگونگی تعامل آنها در یک مجموعه، ارزشمند است؛ اما آنچه توجه بدان ضروری است، اینکه از میان این سه رکن، معلم است که آغازگر جریان تربیت بوده و از این رو نیک بختی و نگون بختی تربیت به دست اوست؛ البته این سخن به معنای معلم محوری نیست، بلکه به جهت اینکه معلم آغازگر تربیت است، تربیت صحیح و یا غلط از او شروع می شود. این معلم است که می تواند مانع بسیاری از آسیب های تربیتی

شود و اوست که می‌تواند راه را برای حرکت در مسیر صحیح، تسهیل نماید. درحالی‌که در باب ضرورت و اهمیت تربیت اخلاقی هم‌نوابی محسوسی بین نظریه‌پردازان وجود دارد ولی در باب چیستی و چگونگی آن این هم‌نوابی جای خود را به تشدیت آرا می‌دهد و تنوعی از نظریات را ایجاد کرده است [۱]. در واقع در باب ضرورت و نیاز به تربیت اخلاقی اتفاق نظر زیادی وجود دارد ولی در باب چیستی و چگونگی تربیت اخلاقی اختلاف‌نظرها بسیار زیاد است [۲]. بر این اساس با توجه به جهت‌گیری‌هایی که در خصوص تعریف اخلاق و تعیین ابعاد و حدود و ثغور آن وجود دارد رویکردهای مختلفی برای تربیت اخلاقی ایجاد می‌گردد [۳] به طور مثال رویکردهای غیرمستقیم یا رویکرد تلویحی و ضمنی<sup>۴</sup>، رویکرد مبتنی بر تأکید بر جنبه‌های ذهنی اخلاق و ارزش‌ها<sup>۵</sup>، رویکرد مراقبتی یا پاداش<sup>۶</sup>، رویکرد علمی<sup>۷</sup>، تبیین ارزش‌ها<sup>۸</sup>، تحلیل ارزش‌ها<sup>۹</sup> و رویکرد یادگیری اجتماعی در زمره رویکردهای تربیت اخلاقی جای می‌گیرند. امام باقر (ع) در زمینه تربیت اخلاقی فرموده‌اند: «هر کس بابتی از هدایت را تعلیم دهد مانند ثواب کسانی که بدان عمل کنند اجر دارد و از ثواب آنها هم چیزی کاسته نشود و هر که یک باب از گمراهی تعلیم دهد مانند گناه کسانی که بدان عمل کنند، اجر ببرد و از گناه آنها هم کاسته نشود». معلم باید انسانی تربیت‌یافته، آشنا با روش‌های تعلیم و تربیت و نیز دارای ذهنیتی روشن نسبت به هدف و مقصد تربیت و ملزومات آن باشد؛ گذشته از مباحث تخصصی هر علم و محتوی مربوط به آن، معارف و ویژگی‌های عمومی‌ای وجود دارد که همه معلمان باید متصف بدان شوند؛ در نتیجه معلمی که داعیه‌دار این مطلب است، مرتباً تحت تعلیم او باید به هدف خلقت خود که همانا مقام توحید است، دست یابد. لزوم این دانش و مهارت‌های عمومی گرچه برای معلمان انسان‌ساز از مسلمات اساسی است، اما این به معنی نفی آن برای کلیه معلمان نیست؛ چراکه مقام معلمی، اشاره به شمع راهی دارد که قرار است انسان‌ها را به هدف خلقتشان نزدیک کند، حتی اگر از مسیر دانشی تخصصی و طبیعی باشد. نهج‌البلاغه مجموعه منتخب از خطبه‌ها، نامه‌ها و کلمات قصار حضرت علی (علیه السلام)، از مصادر مهم در تکون و تکامل تمدن و فرهنگ اسلامی است. ترویج اخلاق حرفه‌ای بر مبنای اسلام بدون تحلیل آموزه‌های اخلاقی نهج‌البلاغه میسر نیست. امام علی (علیه السلام) هم از تجربه دقیق رهبریت پیامبر گرامی اسلام (صلی الله علیه و آله و سلم) بهره‌مند است و خود به عنوان مهمترین و مؤثرترین کارگزار پیامبر گرامی اسلام (صلی الله علیه و آله و سلم) صاحب تجربه است و هم مدیریت سایر کارگزاران پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) و همچنین مدیریت خلفای سه گانه را با تأمل تجربه کرده است و

هم خود به مدت پنج سال به رهبریت امت اسلامی با بساطت ید پرداخته است. به همین دلیل، آن حضرت در باب اخلاق مدیریت در مناصب مختلف، رهنمودهای اخلاقی فراوانی دارد. بدون تردید این رهنمودها به صورت موردی، پراکنده و وابسته به شرایط خاص نیست، بلکه اصول‌گرایی آن حضرت اقتضا می‌کند که رهنمودهای اخلاقی وی، ترغیب‌ها و توصیه‌ها و تحذیرها و بازداشتن‌ها، یعنی کلیه اوامر و نواهی اخلاقی آن حضرت تابع اصول و مبانی عامی باشد که به نحو جهان‌شمول بتوان اخلاق حرفه‌ای را از آنها به دست آورد. در این راستا پژوهش‌های نیز انجام شده است. فراهانی و اشرفی در پژوهشی با عنوان اصول اخلاق حرفه‌ای در نهج البلاغه به این نتیجه دست یافتند که امام علی (ع) همواره به بحث اخلاقیات و اصول اخلاقی توجه داشته‌اند و در موارد فراوانی، کارگزاران و یاران خود، به طور اخص و تمامی انسان‌ها را در طول زمان به رعایت آنها فرمان داده‌اند. اصول اخلاقی مطرح در نهج البلاغه، مشتمل بر: اصل احترام، اصل آزادی، اصل انصاف، اصل وفای به عهد، اصل امانت، اصل صداقت، اصل مسئولیت‌پذیری، اصل نقدی و انتقادپذیری، اصل مدارا و سعه صدر، اصل قانون مداری، اصل اعتدال و اصل رازداری است. با بررسی عمیق تر آشکار شد که جای پژوهشی با تمرکز بر اخلاق حرفه‌ای معلم با تکیه بر سخنان گهر بار مولای متقیان خالی است؛ لذا محقق بر آن شد تا پژوهشی با هدف بررسی اخلاق حرفه‌ای معلم که برگرفته از سخنان گهربار و ارزشمند مولای متقیان امام علی (ع) در نهج البلاغه باشد را به انجام رساند تا گامی در راستای تسهیل این فرایند برای معلمان برداشته شود. به عبارت دیگر گرچه تعریف وظایف و عملکردهای لازم برای معلمان، از دیرباز مورد توجه بوده و مکاتب تربیتی مختلف بسته به نوع نگاه خود به انسان، تعاملات معلم و شاگرد را به گونه‌ای خاص ارائه داده‌اند؛ اما جای خالی برخی مباحث، درخور توجه است. بنابراین پژوهش حاضر با هدف بررسی و تحلیل اخلاق حرفه‌ای معلم در تراز نهج البلاغه به انجام رسید و در تلاش جهت پاسخگویی به سوال ذیل می‌باشد:

اخلاق حرفه‌ای معلم در بستر نهج البلاغه چگونه تبیین می‌شود؟

برای دستیابی به این مهم ابتدا به مفهوم شناسی اخلاق حرفه‌ای در بستر فرهنگ اخلاقی اسلامی می‌پردازیم، سپس به واکاوی آن در تراز نهج البلاغه خواهیم پرداخت.

### روش پژوهش:

این مطالعه متمرکز بر نهج البلاغه بوده و داده‌ها به صورت روشمند تحلیل شد. یکی از روشهای ساده و کارآمد تحلیل

بر ۵ خرده مولفه اخلاق فرد محور، حقوق محور، عدالت محور، وظیفه محور و فایده محور می باشد.

### ابعاد اخلاق حرفه ای

**تعهد<sup>۱۴</sup>**: عبارت است از پایبندی واقعی و دایمی به مجموعه ای از اصول و رموز اخلاق و ارزشها و هنجارها. نظامندی در اصول و قانونمندی در حرفه.

**تخصص<sup>۱۵</sup>**: تخصص حاصل علم و تجربه است و در واقع بیانگر مجموعه ای از معلومات، مهارت ها، دانش، اطلاعات و آگاهی ها و روز آمد کردن آنهاست.

**تعلق<sup>۱۶</sup>**: تعلق علاقه، اشتیاق، دل بستگی، عشق ورزی، انگیزه و روحیه حرفه ای است. تعلق حرفه ای باعث شادابی، پویایی، امیدواری و امیدآفرینی، بالندگی و برآزندگی می شود.

**تداوم<sup>۱۷</sup>**: پایداری و ماندگاری در حرفه و حفظ ارتباط با حرفه ای ها باعث وسعت دید، احاطه بر حرفه، اعتبار برای حرفه ای ها و آرامش و احترام و اعتماد در مخاطبین می شود.

**تحول<sup>۱۸</sup>**: خون تازه در رگ های زندگی حرفه ای ها باعث طراوت، شادابی، اثر بخشی و ثمر بخشی بیشتر و خلاقیت و نوآوری می شود. تحول میدان فرصت ها و ایده های تازه برای فرد حرفه ای و باعث رشد، پیشرفت و توسعه می شود.

**تکامل<sup>۱۹</sup>**: انسان موجودی بسیار توانمند است که در بسیاری از موارد استعدادها، توانایی ها و انرژی خود را به درستی می شناسد و از آن استفاده می کند. فرد حرفه ای می کوشد تا شایستگی و قابلیت ریشه ای خود را بیابد و با انتخاب مسر درست یعنی مسیر متناسب با استعداد، با میل و با استفاده از روحیه کمال جویی به درستی زندگی کند تا خود را به اوج قله های پیشرفت و درجه اجتهاد و کمال برساند لذا حرفه ای ماندن نتیجه کمال جویی همیشگی است [۶].

**اخلاق کار<sup>۲۰</sup>**: یک هنجار فرهنگی است که به انجام مناسب و خوب در جامعه ارزش معنوی مثبت می دهد و بر این باور است که کار فی نفسه دارای یک ارزش ذاتی است. اخلاق کار اسلامی<sup>۲۱</sup> نیز به عنوان مجموعه ای از اصول اخلاقی و معنوی در بافت اسلامی است که آنچه درست است را از نادرست متمایز می سازد [۷]. اخلاق کار اسلامی گرایش و تمایل نسبت به کار و کار را به عنوان یک فضیلت در زندگی بشر دیدن است. اخلاق کار اسلامی یک جهت گیری به سوی کار و رویکردهای شغلی به عنوان یک ارزش در زندگی بشر است در واقع اخلاق کار اسلامی از خصیصه اخلاقی همه آنچه که یک مسلمان باید در سفر زمینی اش بر اساس راهنمایی و دستورات الهی انجام می شد تفکیک ناپذیر است و بر اساس چهار مفهوم اولیه تلاش

کیفی، تحلیل مضمون است. تحلیل مضمون، روشی برای شناخت، تحلیل و گزارش الگوهای موجود در داده های کیفی است. این روش، فرایندی برای تحلیل داده های متنی است و داده های پراکنده و متنوع را به داده هایی غنی و تفصیلی تبدیل میکند. بنابراین با توجه به مضمون تحقیق حاضر از روش تحلیل مضمون بهره گرفته شده است.

### یافته ها:

اخلاق حرفه ای دارای ریز مولفه هایی است که در ادامه تحلیل می شود:

**اخلاق<sup>۱۱</sup>**: اخلاق در اصطلاح یعنی ملکات و هیئت ها ی نفسانی که اگر نفس به آنها متصف شود به آسانی کاری را انجام می دهد. همان طور که صاحبان صنعت ها و حرفه ها به آسانی کار خود را انجام می دهند، صاحبان ملکات فاضله و رذیله هم به آسانی کار خوب یا بد انجام می دهند؛ پس اخلاق یعنی ملکات نفسانی و هیئت روحی که باعث می شود کارها زشت یا زیبا به آسانی از نفس متخلق به اخلاق خاص نشأت بگیرند [۴]. اخلاق عنصری فلسفی است که خوب و بد و نیز هنجارهای وجدانی را منعکس می کند و نیز هدف زندگی و معنایی برای دست یافتن به آن را تعریف می کند [۵].

**حرفه ای گری<sup>۱۲</sup>**: طبق دیکشنری وبستر حرفه ای گری یا حرفه ای بودن به این شکل تعریف می شود: «رفتار، اهداف، یا ویژگی هایی که معرف یا نشانگر حرفه یا فرد حرفه ای است»؛ و حرفه را شغلی که مستلزم دانش تخصصی و اغلب آمادگی آکادمیک در درازمدت و به صورت فشرده است.

**اخلاق حرفه ای<sup>۱۳</sup>**: اخلاق حرفه ای شامل ارزش ها و باورهای اصلی می شود که راهنمایی برای رفتار گروهی از متخصصان در رابطه با تعاملات آنان با مراجع، مشتری و همکاران را فراهم می آورد. مفهوم اخلاق حرفه ای برگرفته از علم اخلاق است. اخلاق حرفه ای عبارت است از مجموعه قوانین اخلاقی که از ماهیت حرفه یا شغل به دست آمده است. می توان اخلاق حرفه ای را بیان کننده باورهای یک گروه حرفه ای در مورد این که چه چیزی درست و مرتبط با معیارهای همان حرفه است دانست. هر یک از حرفه های مرتبط با انسان حوزه ها و ابعاد مختلفی دارند که برخی مشترک و برخی دیگر به طور ویژه به یک حرفه تعلق دارند. گذشته از این تفاوت به نظر می رسد اصول اساسی در تمامی حرفه های یاری رسان یکسان است. در دو دهه گذشته موضوع های مربوط به اخلاق حرفه ای پیشرفت قابل ملاحظه ای داشته و مطالعه ای نظام مند در این زمین رو به گسترش نهاده است. این اخلاق مشتمل

اهمیت اخلاق در دین مبین اسلام به حدی است که رسول اکرم صلی الله دیندارترین افراد را خوش اخلاق‌ترین آنها می‌داند و در جای دیگر می‌فرماید که اخلاق بهترین چیزی است که خداوند به بنده اش عطا نموده است. امام علی علیه السلام می‌فرماید شش چیز است که اخلاق در آن آزمایش می‌شود "خوشنودی، خشم و امنیت ترس، منع (جلوگیری) و رغبت (میل) یعنی در این شش چیز هرکس از حد تعادل و میانه خارج نشود نیکو است وگرنه اخلاق او مذموم است."

اخلاق حرفه‌ای و نظام آموزشی به عنوان یک مفهوم عملی در سطوح فردی و نظام آموزشی توجه پژوهشگران مختلف در چهار دهه گذشته به خود جلب نموده است که از آن به عنوان یک چالش اساسی فراروی نظام های آموزشی مختلف در سطح جهان یاد می‌شود.

### نهج البلاغه

نهج البلاغه، برگرفته از کلام نورانی و گهربار امیر مؤمنان، حضرت علی(ع) است که گذر زمان، هیچ گاه گرد کهنگی و غبار فراموشی بر سیمای پرفروغ او ننشاند و از جلوه و شکوهش نکاسته، تقوا و عدالت و جهاد و دیگر صفات برجسته او را از یاد نبرده و در برابر عظمت دانش و حکمت وی سر تعظیم فرود آورده است. این مجموعه گران قدر که گذشت زمان و ظهور اندیشه های نو تر و روشن تر، پیوسته بر ارزش آن افزوده است، گزیده ای از خطابه ها، دعاها، وصیت ها، نامه ها و جمله های کوتاه مولای متقیان، علی(ع) است. این اثر ماندگار را علامه سید شریف رضی رضوان الله علیه از میان صدها کتاب و منبع، گردآوری و تنظیم کرده است. نهج البلاغه که به درستی اخ القرآن نام گرفته است همانند مصحف الهی هر غواصی را از ارزش های سترگ و بزرگ دریای وجودی خویش بی نصیب نمی‌گذارد. معارف الهی، اقتصاد، سیاست، تربیت، مدیریت و ده ها و صدها موضوع تخصصی و فنی را می‌توان در نهج البلاغه علوی کاوید و به نتایج بی‌رقیب آن دست یازید. از آنجا که پژوهش حاضر با هدف تحلیل شاخصه های اخلاق معلمی شکل گرفته در ادامه به طرح مباحث مرتبط با آن در سیره نهج البلاغه می‌پردازیم:

### معلمی در سیره امام علی (ع)

معلم بدین سبب بر دیگران برتری دارد که حامل و ناشر علم است، علم هفت امتیاز دارد و به همین جهت از زخارف دنیا با ارزش تر است. این فضیلت را امام علی علیه السلام در سخنانی، این گونه برمی‌شمارد:

۱. علم، میراث انبیاست و مال، میراث فرعون ها.

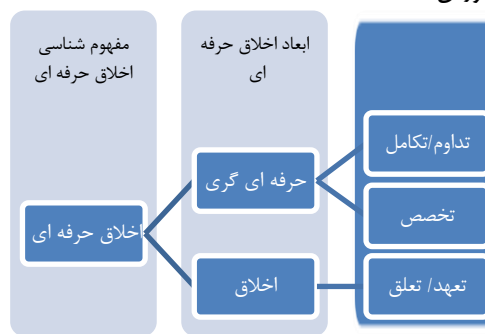
رقابت، شفافیت و رفتار و مسئولیت اخلاقی ساخته شده است [۸]. این موضوع در تعلیم و تربیت بسیار مهم تر است. این که تدریس در میان سایر مشاغل به صورت یک حرفه مورد توجه قرار می‌گیرد. دیوید کار<sup>۲۳</sup> (۲۰۰۳) و چن<sup>۲۴</sup> (۲۰۰۴) تدریس را که فعالیت حرفه ای معرفی می‌کند که به شدت درگیر مباحث اخلاقی می‌باشد [۹].

خوی اسلامی اخلاقی است که در چارچوب اسلام است. اخلاق اسلامی سه بخش اصلی دارد:

۱. رابطه با خدا: کارهایی که آدمی باید در برابر خدا بکند، مانند نماز و روزه و دعا

۲. رابطه با مردم: برخورد فرد و رفتارهایش با مردم و دیگر اعضای جامعه، مانند رفتار نقش‌های خانواده و دوستی. عموماً منظور از اخلاق اسلامی بیشتر این بخش است.

۳. رابطه با خود: چارچوب برخورد انسان با خودش یعنی موارد ناصحیح را در درونش تغییر دهد، مانند حسد (رشک) و چگونگی غذا خوردن



### فرهنگ اخلاقی اسلامی

از دیدگاه جوامع غربی حداقل چهار نوع طرز فکر در خصوص رفتار اخلاقی در نظام های آموزشی وجود دارد که عبارتند از .

**دیدگاه اصالت نفع<sup>۲۴</sup>:** رفتار هایی اخلاقی هستند که بیشترین فایده را برای بیشترین تعداد افراد به همراه داشته باشند

**دیدگاه فرد گرایی<sup>۲۵</sup>:** رفتاری اخلاقی تلقی می‌شود که برای منابع بلندمدت خود فرد مفید باشد .

**دیدگاه حقوقی – اخلاقی<sup>۲۶</sup>:** رفتاری اخلاقی است که حقوق اساسی تمامی افراد جامعه را تامین می‌نماید

دیدگاه عدالت: زمانی که با افراد به صورت منصفانه و بی طرفانه برخورد شود، رفتار اخلاقی حاکم گردیده است .

**فلسفه یونان باستان<sup>۲۷</sup>:** همچون سقراط افلاطون و ارسطو: علم اخلاق را به منظور مطالعه و فلسفه اخلاق بنیان نهادند. مکاتب مختلف فکری هم چون مکتب اصالت نفع، مکتب قرار دادگری ، مکتب خود پرستی و ...

۲. علم را هر چه انفاق کنی، کم نمی شود، ولی مال را هر چه خرج کنی، کم خواهد شد.

۳. مال، احتیاج به حافظ و نگهدار دارد و صاحب مال باید در نگهداری آن مراقبت کند، ولی علم، نه تنها احتیاج به مراقبت ندارد، بلکه صاحب خود را هم از خطرها و ضررها حفظ می کند.

۴. علم تا قیامت همراه آدمی است، ولی مال و ثروت پس از مرگ رها می شود.

۵. مال برای مؤمن و کافر حاصل می شود، ولی علم فقط برای اهل ایمان حاصل می شود.

۶. تمام مردم در امر دین خود نیازمند اهل علمند، ولی نیازمند صاحبان ثروت نیستند.

۷. علم در هنگام عبور صاحبش از صراط، او را یاری می کند، ولی ثروت در عبور از صراط، مانع و مزاحم صاحب خود می شود. معلم در مقام هدایت، به نوعی پدر روحانی انسان هاست، بر این اساس بر پدر جسمانی برتری دارد. [۱۰]

شاخص‌هایی که در گزاره‌های گوناگون نهج‌البلاغه در تبیین شاخصه‌های اخلاق معلمی آمده است بیشتر ناظر به عناصر مؤثر و کارگزار اجتماعی است که در کسوت‌های مدیریتی، تربیتی و آموزشی ایفای نقش می‌نمایند. در این میان شاید اساتید و به‌ویژه معلمان به دلیل ارتباط پیوسته با اقشار جوان و نوجوان بیش از هر کس مخاطب این فرازهای مرتبط با رفتارهای فردی و اجتماعی باشند. گویا مجموع این سخنان که در این مقاله بخشی از آن ارائه می‌شود خود مجموعه نکات کلیدی، کارساز و محوری در مناسبات استاد و دانشجو، معلم و دانش‌آموز و به‌ویژه مربی و متربی است. معلمی ارجمندترین مشاغل است و نمی‌شود و نباید این ارزشمندی را با نتیجه‌های مادی و عادی سنجید. جامعه و کارگزاران آن هرچند در این زمینه تکلیفی بایسته دارند تا این نگاه را به معلم و رسالت تعلیم و تربیت اصلاح بکنند؛ اما این معلم است که باید با قدرشناسی و اهمیت دادن به جایگاه شغلی؛ خویش را در مکانت شغل پیامبری<sup>۲۸</sup> و هدایت‌گری بداند و این نگاه بر شخصیت خویش و قدرشناسی از فرصت‌های تربیتی ارزشمندی را ارتقا و زمینه‌های خدمت را فراخ سازد. معلم نه فقط خود باید ارجمند باشد بلکه بکوشد به نگاه جامعه نیز احترام بگذارد و فراتر از شخص به شخصیت خویش معطوف شود تا این نگاه را که مردم خوبی‌ها و شایستگی‌ها و حتی شایستگیان را در تراز وجود او می‌سنجند حرمت‌گذاری نماید و از این نگاه پاسداری کند.<sup>۲۹</sup>

همانندی شغل معلم با پیامبران؛ قرابت اندیشه و رفتار را اجتناب ناپذیر ساخته و می‌طلبد؛ معلم بسان شمع برای دانش‌آموزان و مخاطبان خویش بسوزد، مهرورزی کند و خوبی و خصلت را محمدی(ص) بنماید.<sup>۳۰</sup>

معلم نه فقط به اقتضای شغل خویش حتی در مقام مرجعیت علمی و اجتماعی خویش نزدیک‌ترین‌ها به پیامبران هستند. به دیگر سخن معلم نه تنها در قامت تربیت و حضور در ساحت کتاب و کلاس قرابت با پیامبران دارد بلکه در جایگاه دانای جامعه و محل مراجعه اجتماعی در قامت یک عنصر اجتماعی از نزدیکان پیامبران بشمار می‌آیند.<sup>۳۱</sup>

### مقبولیت معلمی در تراز نهج‌البلاغه

پروا پیشگی و التزام به تقوای الهی یکی از محوری‌ترین اصول در موفقیت‌های معلمی است گو اینکه شغل معلمی را بیش از دانش‌اندوزی یا قبل از آموزش‌یاری با خدا ترسی عجین داشته‌اند تو گویی کار تعلیم و تربیت با تقوی ارجمند و شکوهمند می‌شود. به دیگر سخن هر چند تقوی عیار همه کارها را بالا می‌برد و ارجمندی و پایداری را تقویت می‌کند اما این مهم در مأموریتی بزرگ و سترگ چون معلمی از ارزش و اهمیت خاصی برخوردار است و به تعبیر قشنگ امام علی(ع) هیچ کاری با تقوای اندک نیست و چگونه می‌شود کاری اندک شود که در پیشگاه خداوند ستوده و پذیرفته است.<sup>۳۲</sup> پیداست وقتی که تعلیم و تربیت خدایی شد، پدافتنه می‌شود و پایدار؛ چرا که علت تامه ماندگاری خدمات فرهنگی و اجتماعی را باید در ماهیت الهی آن جست. اصولاً کاری که رنگ الهی به خود بگیرد به شجره ماند که اصلش پایدار و شاخ و برگش پر دامنه است. مگر می‌شود مربی و معلمی که در قامت یک راهبر نقش‌آفرینی می‌کند پیشرو نباشد و نایافته‌ای هستی بخشی کند. مربی باید اهل معنی، سلوک و راه رفته باشد تا بتواند تربیت کند و آموزه‌اش ماندگار گردد. پس باید مربی از خویش‌تن آغاز بکند تا دیگران و این آغاز از خویش‌تن باید با خودسازی در رفتار و سلوک باشد تا زبان و بیان و آن کس که به خود پرداخته و خویش‌تن را می‌سازد سزاوارتر بر تکریم است تا آنکه به دیگران می‌آموزد.<sup>۳۳</sup> معلم برای موفقیت در مأموریت تربیتی و آموزشی خود نیازمند برخورداری از دو بازوی مقبولیت و محبوبیت است این دو هرچند برای عناصر فعال اجتماعی راهگشا است اما برای کارمعلمی یک ضرورت است.

### عوامل مقبولیت معلمی در تراز نهج‌البلاغه

معلم وقتی موفق است که مورد پذیرش واقع شود و این شرط نخست در موفقیت و کامیابی آموزش و تربیت دانشجو و دانش‌آموز است.

باید معلم در نظر دانش‌آموزان خود، بزرگ بنماید و مقام و جایگاه تجربیات علمی ایشان مسلم شود.

معلمی که از دانش عمومی و تخصصی بهره‌مند باشد و در حوزه آموزش از اندیشه و تازه‌های علمی برخوردار شود، بهتر می‌تواند در قامت یک معلمی فرزانه و برخوردار از دانش و اندیشه نقش‌آفرینی کند. شاید فرصت‌های مطالعاتی ضمن تدریس را که در زمینه‌های آموزش اساتید و معلمان تدبیر شده ناظر به همین نیاز علمی و آموزشی و مطالعاتی باشد.<sup>۳۶</sup> معلم باید در کنار ۲۴ ساعت آموزش، ۲۴ ساعت در مطالعه، اندیشه، طرح درس و به‌روزرسانی خویش باشد و اگر جز این شود خسارت به آموزش و پرورش و دانش‌آموز است.

#### \*جسارت "نمی‌دانم"

معلمی که علمی دارد و اهل جهد و جدیت در دانش است ولع دانش‌اندوزی داشته و در اندیشه دانش و دانستن است و این ویژگی پیوسته او را در تکاپوی مطالعه و دانش قرار داده و ناآرام دانستن می‌سازد.

این احساس که ریشه در درون ناآرام دارد همیشه حس کم‌دانی و نیازمندی را فروتنانه در ایشان شعله‌ور می‌سازد. و به تجربه ثابت شده است معلم و استادی که درگاه تردید و نیاز به مطالعه و تأمل فروتنانه به ندانستن اعتراف نماید خود درسی بزرگ و ماندگار برای دانش‌آموزان و دانشجویان خواهد بود.

توضیح شرح اللفظی، توجیه و دست و پا زدن برای‌گریز از ندانستن خلاف شیوه مرسوم بین بزرگان و سرآمدان علم و دانش است. در احوالات شیخ اعظم انصاری و علامه طباطبایی و بزرگان دیگر اذعان به ندانستن فصلی ماندگار و جسارتی بزرگ ثبت و جاودانه شده است.

چه زیباست این سخن حضرت علی (ع): من ترک قول لا آدری أصیبت مقاتله<sup>۳۷</sup>  
اری معلم و استادی که بگاہ تردید از گفتن نمی‌دانم روی گرداند نابود می‌شود

و به تجربه ثابت شده است که این قبیل اساتید نه تنها به بزرگی ودانایی معروف نشدند که از فرزاندگی و مقبولیت افتادند.

#### \*تجربه اندوزی لازمه مقبولیت

استفاده از ظرفیت اهل کسوت و تجربه و انتقال دانش و مهارت پیشکسوتان؛ معلمان جوان و تازه وارد به عرصه تعلیم و تربیت را از آزمون و خطا بی‌نیاز می‌سازد. مهارت‌های آموزش، طرح درس، شیوه‌های ارائه و انتقال و تعامل با قشر کودک و نوجوان و پایش و ارزیابی تأثیر برنامه‌ها و فعالیت‌ها در رفتار فردی و عمومی دانش‌آموزان و... چیزی نیست که یک ساله و بدون آزمون‌های عدیده به‌دست آید. انتقال طبیعی و دوستانه تجربیات معلمی نیازمند فراهم ساختن مناسبات خوب بین پیشکسوتان و معلمان

معلمی که تجربه آموزش و دانش و اطلاعات علمی و مهارت‌های معلمی را نداشته باشد نمی‌تواند برای دانش‌آموزان خود چشمگیر و قابل تحسین شود.

اصولاً جنس آموزش و پرورش و معلم و دانش‌آموز با پذیرش و توافق نانوشته و قلبی همراه است. معرفی، تحمیل و جبر در کلاس و مدرسه، معلم و دانش‌آموز جایگاهی ندارد در این مجال از ده‌ها زمینه مقبولیت به چند مورد بسنده می‌کنیم

#### نگاه و نگرش معلمی در تراز نهج البلاغه

معلم در گروه ارزش‌گذاری‌های خویش است و دانش‌آموزان قیمت و وزن معلم را در چیزی می‌دانند که در علاقه، زبان و اراده معلم نمود دارد. گرایش و ابراز علاقه که شیب شخصیتی یک معلم را نشان می‌دهد لزوماً به گفتن و نوشتن محدود نمی‌شود بلکه در تعامل کوتاه معلم و دانش‌آموز و در فعالیت‌های رسمی و غیررسمی ایشان نیز قابل رصد است.

می‌توان گفت ارزش یک معلم در اندیشه، گفتار و به‌ویژه رفتار نمود می‌یابد و به تعبیر بلند حضرت علی علیه‌السلام سخن وزن شخصیتی انسان در گروه آن چیزی است که بدان اندیشه می‌کند و فضای فکری ایشان را در خود می‌گیرد.<sup>۳۴</sup> معلمی که در کلاس از دانش، علم و پژوهش و یا ارزش‌های انسانی و کمالات فردی و تعاملات اجتماعی سخن می‌گوید با کسی که از ثروت، مادیات، برخوردارها و قدرت و زیرکی و زرنگی اجتماعی سخن می‌گوید، تفاوت دارد. معلم با کلام و رفتار و سوگیری‌های خود نشان می‌دهد که سرانجام انسان خدایی شدن و رسیدن به ارزش‌های والای انسانی است نه شهوت و برخوردارهای جنسی، مادی و جایگاهی<sup>۳۵</sup> - در ادامه به بررسی مولفه‌های اخلاق حرفه‌ای معلم در تراز نهج البلاغه (در دو سطح مقبولیت معلم و محبوبیت معلم) می‌پردازیم:

#### مولفه‌های اخلاق حرفه‌ای معلم در تراز نهج البلاغه

##### ۱. مقبولیت معلم

##### \*اندیشه و دانش معلمی

وزن معلم در کلاس و مدرسه به بیان و توان علمی ایشان است و مهم‌تر از همه شخصیت معنوی، اجتماعی و اخلاقی ایشان در گروه زبان و محتوای بیانی او است.

برای همین بر معلم است که هم خوب سخن بگوید و هم سخن خوب بگوید. خوب سخن گفتن در گروه مهارت‌های زبانی و بیانی و دانش و فنون کلاس‌داری و اسلوب‌های مدیریت کلاس است و سخن خوب گفتن مربوط به مطالعه، دانش، پژوهش و مهم‌تر از همه اندیشه پیوسته ایشان.

و هویت‌های آن دچار آسیب می‌شود. معلمان بی‌رقیب‌ترین قشر در فرهنگ‌سازی و توسعه دانش عمومی جامعه هستند و تربیت قشر آشنا با کتاب و مطالعه و علاقه به دانش با دستان با کفایت معلمان صورت می‌پذیرد. معلم برای رسیدن به مقام راهبری و ارتقای نقش مداخله‌گری در زمینه کتاب و مطالعه نیازمند بهسازی خود با دانش و مطالعه است. به دیگر سخن باید معلم مطالعه را عملاً در خویش و سپس در جامعه، فرهنگ کند. شاید بهترین و مهم‌ترین کار برای معلم؛ دانش‌اندوزی و ارتقای توان و مهارت باشد معلم در این دنیایی که دسترسی‌ها به مطالعه و دانش افزون شده و به شکل‌های مختلف زمینه‌های آگاهی پر دامنه شده است باید بیش از دیگران به ارتقای مهارت علمی و شغلی پرداخته و بالاتر از همه از دانش و آگاهی‌های لازم برخوردار شود. در سخنی بلند حضرت علی (ع)<sup>۴۰</sup> دانش‌اندوزی و ارتقای توانمندی‌های علمی را بزرگ‌ترین خیر دانسته و جایگاه آن را بالاتر از هر ثروت و حتی فرزند می‌داند شاید وجه این برتری به فرزند نقش هدایت‌گری دانش در تربیت و شکل‌گیری خانواده است. به یقین خرد و فهم انسان با مطالعه و آگاه بهتر از انسان کم دانش و مطالعه است گو اینکه دانش سرآغاز تفاوت بین افراد است.

\*آشنایی با زمینه‌های یاددهی و یادگیری یکی از لوازم معلمی آشنایی با زمینه‌ها، علاقه و توان ذهنی و روحی دانش‌آموزان است. برای انتقال دانش؛ مؤلفه‌های عیدیه‌ای لازم است که بدون توجه به آن کار معلمی سامان نمی‌گیرد. حالات روحی و روانی شکل و ابزارهای کلامی، اقتضائات زمانی و مکانی بخشی از آن هستند. به تعبیر حضرت علی(ع)، دل‌ها نیز همانند بدن‌ها افسرده می‌شوند پس برای شادابی دل‌ها سخنان زیبایی حکمت‌آمیز بجویید.<sup>۴۱</sup>

وقتی نمی‌توان از بدن خسته کار کشید از روح فسرده نیز انتظار همراهی، شنیدن، درک و تحلیل نمی‌رود. باید روح هم مانند جسم تیمار شود تا توان همراهی و دریافت بیابد. در فرازی دیگر می‌فرماید این دل‌ها همانند تن‌ها خسته می‌شوند برای نشاط آن به سخنان تازه و حکیمانه روی بیاورید.<sup>۴۲</sup> بجاست معلم صرفاً به درس، تدریس و تکلیف نیندیشد بلکه برای ایجاد آمادگی چاره کند؛ ای بسا درس دادن‌های بدون این آمادگی و یا اصرار یک‌طرفه؛ معلم را به دلیل بی‌توجهی به شرایط؛ از مقبولیت اندازد و حتی موجب نوعی انزجار از درس و نفرت از معلم شود. کم نیستند معلمان که به دلیل همین ناآگاهی‌ها، پایگاه دانش‌آموزی نداشته و ای بسا اسم‌شان با خاطراتی ناخرسندانه گره خورده است.

جدید است. معلم جوان باید بخشی از برنامه‌های خود را استفاده از تجربیات گذشتگان بداند. حضرت امیر(ع) در فرازی از سخنان ارزشمند خود به این نکته ظریف و کارآمد توصیه می‌کند و می‌فرماید: نزد من اندیشه پیر از تلاش جوان خوشایندتر است<sup>۳۸</sup>

#### \*نقدپذیری در معلمی

در همه مشاغل به‌ویژه در حوزه تعلیم و تعلم نقد و نقدپذیری از ویژگی‌های پسندیده است. معلم و استادی که نقدپذیر نباشد مقبولیت قابل توجهی ندارد. دور نیست اگر گفته شود یکی از ویژگی‌های معلم موفق استقبال از نقد است. کلاس‌هایی که در آن پرسشگری نباشد و یا معلم و استاد؛ دانشجو و دانش‌آموز نقاد نداشته باشند کلاس مرده است و هم استاد از به‌روزرسانی خود باز می‌ماند. معلم برای روزآمد شدن و توسعه دانش و آگاهی‌های علمی نیازمند دانشجو و دانش‌آموزان پر مسأله است و شاید یکی از آفت‌های دامن‌گیر کلاس‌های درس مدارس و دانشگاه‌ها، فقر، مسأله و نبود سؤال باشد. تو گویی دانش‌آموز و دانشجو چشمش را از عقربه‌های ساعت نمی‌گیرد و هر لحظه ساعت و موبایلش را می‌نگرد و کندی حرکت زمان را به زحمت تحمل می‌کند. معلم برای چابک شدن و ارتقای توان و اندیشه و مهم‌تر از همه تغییر رویکردهای آموزشی و شیوه و قالب‌های یاددهی و یادگیری نیازمند نقدهای سازنده است و شاید بهتر باشد که معلم و مدیر زمینه‌های این نقد را از طرف دانش‌آموزان، معلمان، اولیاء و جامعه هدف مرتبط فراهم نمایند. مدرسه، مدیر و معلم برخوردار از ظرفیت‌های نقد بیش از دیگران از ثمرات و نتایج آن برخوردار می‌شوند. و نقد هر چند ظاهرش تلخ و تحملش سخت می‌نماید اما باطنش بشارت‌بخش و سازنده است. به تعبیر حضرت امیر علی (ع) نتیجه هشدار، بشارت و مژده است و آن کس که تو را هشدار و نقد داد همانند کسی است که تو را مژده داد.<sup>۳۹</sup>

#### \*مطالعه و دانش‌افزایی

امروز یکی از آسیب‌های جدی در جامعه به‌ویژه میان نخبگان و معلمان؛ ضعف مطالعه و دانش‌افزایی است. سرانه مطالعه در میان توده‌های مردم و حتی اهل دانشگاه و مدرسه و سوگمندان اساتید و معلمان رو به کاهش نهاده است؛ سرانه‌های اعلانی از سوی مدیران ارشد فرهنگی که پرده از یک واقعیت دردناک برمی‌دارد جدی و تأمل بر انگیز است.

سرانه هفته‌ای بیست دقیقه و حتی کمتر در میان دانش‌آموزان چیزی نیست که بشود از کنار آن به‌سادگی گذشت. این در حالی است که به اذعان صاحب‌نظران، مطالعه بهترین سنجه در شاخص‌های رشدیافتگی و توسعه فرهنگ در جامعه است. وقتی مطالعه و کتاب در جامعه رو به کاهش و غربت بگذارد. فرهنگ

پا نمی‌شناسند. باید معلم برای دست‌یابی به چنین شاخصه‌ای بکوشد و کلاس و درس را از یک برنامه رسمی، خشک و طاقت‌فرسا به یک فضای صمیمانه، عاطفی و سرشار از روابط متقابل تبدیل نماید. پذیرش و محبوبیت الزاماتی چند دارد که به بخشی از آن اشاره می‌شود.

#### \*نماد خوبی‌ها

معلم باید بکوشد به‌عنوان یک الگوی اخلاقی شناخته شود. بدیگر سخن معلم باید فراتر از خوب کارکردن تندیسی از خوبی و فضیلت باشد چرا که انسان تا خود با خوبی‌ها عجین نشود، رسانای خوبی نمی‌شود و تا فکر و اندیشه با خوبی خو نگیرد، آستن رفتار خوب نمی‌شود. پس معلم باید فراتر از یک عمل اخلاقی خوب < فاعل فضیلت‌ها باشد. به دیگر سخن فاعل رفتار خوب ستودنی‌تر از کار خوب است و این به دلیل تأثیر و ماندگاری آن به‌عنوان الگو اخلاقی در اذهان دانش‌آموزان است. و بهتر باشد بگوییم کار خوب، خوب است اما وقتی عامل آن معلم باشد خوب‌تر می‌شود و به تعبیر زیبایی امام علی، نیکوکار از کار نیک بهتر است<sup>۴۵</sup> معلمی که می‌خواهد محبوب شود و دوست داشته‌ی بماند و برای دانش‌آموزان ستودنی شود باید تجسم خوبی و نیک‌اندیشی باشد.

#### \*مردمی بودن معلم

معلم دوست‌داشتنی، مردمی است و مردم ایشان را به‌عنوان چهره‌ای همسو و نیک‌اندیش می‌شناسند؛ معلم خوب، با توان، آگاهی‌بخش با مهارت‌های ارتباطی، مردم را به مشارکت می‌گیرد و نیک‌اندیشی و شخصیت‌الگومانند خویش را به شمار مردم منطقه و اولیای مدرسه تکثیر می‌کند. و در مقابل زاویه داشتن با مردم و گسست عاطفی با مردم کار آموزش را مختل و برای پیشبرد اهداف تربیتی زبان‌آور می‌شود. معلم هوشمند، مردم‌مدار است و میزان‌الحراره او مردم و انتظارات مردمی است. و بهتر باشد که بگوییم جلب و کسب رضایت مردم و تأمین مطالبات ایشان یک اصل اجتماعی است و چه بد است معلمی که برخلاف فهم و اندیشه عمومی شتاب نماید چرا که این اقدام فرجام خوشایندی نداشته و به بدبینی می‌انجامد و به تعبیر حضرت علی علیه السلام کسی که در انجام کاری که مردم خوش ندارند شتاب کند درباره او چیزی خواهند گفت که از آن اطلاعی ندارد.<sup>۴۶</sup>

#### \*نه منفعل و نه سخت‌گیر

معلم محبوب اهل اعتدال است؛ نه منفعل و سخت‌گیر. معلم باید متناسب با نیاز و ضرورت منقطع و سازگار باشد. سخت‌گیری

موقعیت درس و ارتباط آموزشی و به‌خصوص تربیتی خود جایگاهی دارد که بیش از همه معلم باید بدان با حساسیت و تأمل توجه نماید. این اقبال و ادبارها هستند که موجب توجه و علاقه دانش‌آموزان به معلم و محتوای آموزشی می‌شود وقتی دانش‌آموز دل به درس ندهد؛ به معلم هم بی‌توجه می‌شود؛ معلم باید بکوشد تا زمینه‌های اقبال به درس و محتوای آموزشی و تربیتی فراهم شود والا با بی‌مهری و بی‌ذوقی راه به جایی نمی‌برد. حضرت علی (ع) فرمود: دل‌ها را روی آوردن و پشت کردنی است پس دل‌ها را آنگاه به کار وادارید که خواهش و کششی دارند زیرا اگر دل را به اجبار به کاری واداری، کور می‌گردد و دل از توجه و دریافت سر باز می‌زند.<sup>۴۳</sup>

#### \*معلمی باطعم فطرت

معلم متعهد نگاهش به جهان مادی نیست و جهان را جلوه جمال الهی دانسته و برای آن شعور قائل است نگاه مادی صرف که بر دانش نیز سایه انداخته و آن را بیگانه از فطرت الهی می‌نماید در قاموس معلمی راه ندارد. معلم باید دانش را با طعم فطرت الهی ارائه کند و ذائقه فطری آموزه‌های و دریافت‌ها را جهت‌مند سازد. علما و فلاسفه بزرگ دانش را با همین نگاه ارائه کردند. به دیگر سخن معلم باید علم را بیگانه با فطرت نیانگارد چرا که این دوگانگی بیش از دانش‌اندوزی محرومیت‌آور خواهد شد. حضرت علی علیه السلام در فرازی بلند با اشاره به همین پیوستگی می‌فرماید: علم دو گونه است علم فطری و علم اکتسابی. علم اکتسابی اگر هماهنگ با علم فطری نباشد سودمند نیست<sup>۴۴</sup> این همسویی و هماهنگی به اقتدار علمی معلم انجامیده و موجب مقبولیت افزون ایشان در میان دانش‌آموزان می‌شود.

## ۲. محبوبیت معلمی در تراز نهج البلاغه

محبوبیت از اصلی‌ترین لوازم کار معلمی است اگر معلم را دوست نداشته باشند کار معلم خوب به سامان نمی‌شود. باید معلم موقعیت کار خویش را درک کند و فراتر از یک شغل و ابزار معیشت به‌عنوان یک هنر به آن بنگرد و گفتار و رفتارش را همانند یک تابلوی نقاشی یا اثر ادبی، ماندگار و اثرمند سازد.

معلم باید برخلاف دیگران مراقبت خاص از خویش بنماید و در امور ارزشی و اخلاقی و ملاحظات رفتاری و انسانی گام‌ها از دیگران پیش باشد.

محبوبیت که یک خواست فطری و مطالبه زیباشناختی بشری است وقتی به کار معلمی بیاید کار معلمی را هنرمندانه می‌کند. معلمان محبوب برای دانش‌آموزان خود فراتر از یک آموزشگر، یک طبیب و مشاور و همانند پدر و مادر مهربانند و دانش‌آموزان برای حضور در کلاس درس چنین معلمانی سر از

در مدیریت کلاس، آموزش، انضباط و تکلیف و آزمون و نمره وقتی با اقتضائات همراه نشود نه تنها سازنده نیست بلکه نتیجه معکوس دارد.

معلم باید بیش از هر کس معتدل و منعطف باشد و این آسان‌گیری به معنای رهاسازی کلاس و منفعل بودن در آن نیست بلکه در جای خود دقیق، حسابگر است و به تعبیر حضرت علی علیه السلام انسان باید آسان‌گیر باشد اما زیاده‌روی نکند و حسابگر باشد اما سخت‌گیری نکند.<sup>۴۷</sup>

#### \* آشنایی با فرصت‌های آموزشی و تربیتی

معلم اگر بخواهد محبوبیتش افزوده شود باید اقتضائات روحی و روانی دانش‌آموزان را مورد توجه قرار دهد. توجه به روحیات و زمینه و فرصت‌ها، آموزشی و تربیتی شاید در مقررات و قوانین آموزشی نیامده و علی‌القاعده نیست ولی یک واقعیت و امری مسلم است و به دیگر سخن یک تفاهم نانوشته بین معلم با تجربه با دانش‌آموزان است.

تعبیر زیادی در کلمات حضرت امیر تحت همین عناوین و ناظر به این دست ملاحظات روحی و روانی مخاطب است. تعبیری چون: دل افسرده<sup>۴۸</sup> و اقبال و ادب‌ها مرتبط با روحیات مخاطب<sup>۴۹</sup> و اینکه خستگی دل همانند خستگی جسم بی‌تابی و کم‌تحملی می‌آورد و توان دریافت ندارد ۵۰ و...

#### \* وفاداری و تعهد

معلم نمی‌تواند در کلاس نسبت به رفتار دانش‌آموزان خود بی‌تفاوت باشد بنابراین معلم خواسته یا ناخواسته دانش‌آموزان خود را اندرز می‌دهد، توصیه می‌کند و به آنچه می‌گوید پایبندی می‌دهد به دیگر سخن معلم بیش از حرف عمل می‌کند و به آنچه بر زبان می‌راند وفادار و اهل عمل و تعهد است و دانش‌آموزان به تبع، خوبی‌ها را نه از زبان که از عملش دریافت و به کار می‌گیرند. در واقع معلم محبوب پایبند حرف و سخن خویش است چرا که دانش‌های از جنس سبک زندگی، اخلاق، معنویات و خودسازی و مهارت‌های فردی و اجتماعی؛ وقتی ارزشمند هستند که نه از زبان که در رفتار نمود یابد حضرت امیر بی‌ارزش‌ترین دانش را دانشی می‌داند که بر سر زبان است و برترین علم را علمی می‌داند که در اعضا و جوارح آشکار است<sup>۵۱</sup>. شاید برای تأکید بر همین واقعیت باشد که تقوا پیشگی را از الزامات دانسته و برای اثرمندی و پایداری و قوت تأکید می‌کنند که: ارزش کار را بالا و اهمیت آن را بیشتر می‌کند. به دیگر سخن هیچ کاری با تقوا اندک نیست<sup>۵۲</sup>

#### \* تحمل و بردباری

کار معلمی در آموزش و پرورش افزون بر دانش و مهارت به مدیریت کلاس نیازمند است برای همین معلمانانی که کم‌طاقتی کرده و بی‌حوصله شوند ناخواسته از نظر می‌افتند. معلم موفق با حوصله، بردبار و برخوردار از تدبیر است چراکه بردباری و تحمل؛ محبوبیت را موجب می‌شود و علاقه را به معلم افزون می‌کند و به تعبیر حضرت امیر (ع) گویا کلید محبوبیت در بردباری و تحمل سختی‌هاست و سیادت در پایداری و تحمل سختی‌های مسئولیت است<sup>۵۳</sup>

معلم به دلیل برخورداری از فرصت ارتباط با دانش‌آموزان به شرط برخورداری از اخلاق، تحمل و بخشش و گذشت می‌تواند به‌شمار دانش‌آموزان دوست و همراه و به تعبیر امام علی(ع) یاران به مراتب عزیزتر از خویشان دست یابد<sup>۵۴</sup>.

#### \* معلم شاخص

معلم چهره شاخص در جامعه است و مردم بدون استثنا از هر قشر و صنفی به ایشان ابراز علاقه می‌کنند و در واقع معلم حق حیات معنوی بر بسیاری از اقشار جامعه دارد و دور از انتظار نیست که معلم در همه جا هوادار داشته باشد و با همه کس ارتباطی عمیق و عاطفی برقرار کند. محبت معلم و درس و اخلاق ایشان بذری فراتر از خویشاوندی در جامعه می‌کارد که دوستی‌ها و ارادت را به همیشگی پیوند می‌زند.<sup>۵۵</sup> معلم محبوب در هیچ‌جا تنهانیست و با هیچ‌کس نمی‌تواند بیگانه باشد و توگویی به‌شمار دانش‌آموزان کلاس و به‌شمار همه ساله عمر معلمی خود دوست و فرزند تربیتی می‌کند<sup>۵۶</sup>. بنابراین معلم محبوب هر چند مثل برخی از صنوف و مشاغل از الاف والوف برخوردار نیست اما به‌شمار زیاد عده و عده دارد. به دیگر سخن اگر معلم به ثروت‌های زیادی نرسیده است در مقابل به سرمایه‌های پایدار و میراث سرشار معنوی دست یافته است که در مقابل خواسته‌های ابتدایی مادی قابل قیاس نیست.

#### \* جذابیت معلم

معلم محبوب؛ فراتر از اشتغال به درس و آموزش یک چهره محوری دارد. شاید بتوان گفت راز جذابیت معلم فراتر از دانش، مهارت و آرایه‌های موفق؛ ساختار شخصیتی و حسن سیرت و قدرت معنوی ایشان باشد. برای همین وقتی سخن از معلم می‌رود مرجعیت اجتماعی و نقش‌های بی‌رقیب ایشان در ذهن تبادر می‌کند؛ معلم به دلیل قدرت روحی و توان مدیریت روحی و روانی یک شخصیت اجتماعی است که تعهد و وظیفه‌شناسی ایشان در شمار دانش‌آموزان خویش تکثیر شده است.

معامله ای الهی و مجاهدت‌های نفسانی از دست بلند الهی پاداش می‌گیرد و عناصری مفید، مؤثر و خوش آتیه را تحویل جهان و جامعه انسانی می‌دهد.

این فراتر بودن، بخشش و گذشتن از خویش و خویشان و مجاهده پنهان این لطف الهی را برای ایشان رقم می‌زند تا به‌شمار دانش‌آموزان، فرزند، برادر و یار و هم‌دل داشته باشد<sup>۶۰</sup> شخصیتی در قامت معلم در جامعه و خارج از کلاس و مدرسه نیز درس‌آموز است اهل فضیلت و دارائی‌های لایزال الهی است وی برخوردار از منطقی استوار و متعادل زهدی پنهان است<sup>۶۱</sup> فروتن تر از معلمی که اهل ارزش و دانش است نمی‌توان یافت ۳۴(خطبه ) مردم و به‌ویژه دانش‌آموزان باید معلم را خاستگاه ارزش‌های اجتماعی جامعه خویش دانسته و از وی آداب و تعامل و ارتباط و ... را بیاموزند. معلم باید فراتر از ارزش‌های درونی؛ ظاهری اراسته و قامتی استوار و چهره ای گشاده که نگاه‌ها را ناخواسته به خود می‌گیرد باشد.

رفتار معلم در کلاس و حتی تشویق و تنبیه ایشان با دیگران تفاوت دارد او سخت و سرد کسی را سرزنش نمی‌کند و شخصیت کسی را به هر دلیل، منکوب نمی‌کند<sup>۵۷</sup>.

معلم محبوب بردبار و حوصله‌مند است و به سادگی از کوره به در نمی‌رود گو اینکه رمز سیادت ایشان در خویشنداری و شکیبایی است. معلم بدلیل حرفه معلمی خود را آراسته است و روح خویش را با تقوی و ریاضت‌های انسانی صیقل داده است از این رو سخنش و حتی قلم و قدمش استوار، بی عیب و سرشار از صداقت و صمیمیت میشود<sup>۵۸</sup> آموزگاری در قامت معلم بدور از هر پلشتی و کاستی بوده؛ حرکت‌های عامیانه و ناصواب را بر نمی‌تابد بلکه فراتر از یک شهروند ملاحظاتی را برای خویش داشته و به دور از رفتارها و منش‌های کراهت آلوده ای است که دامن آموزگاری وی را چرکین می‌کند؛ می‌تواند رهبر و هدایت‌گر جامعه هدف خویش باشد<sup>۵۹</sup> این چنین می‌شود که سخن معلم از دل برمی‌آید و در دل‌های پاک و تشنه‌کام می‌نشیند و سرآغازی برای تحول و حرکت در مسیر شدن می‌شود. شاید بهتر باشد بگوییم معلم با

جدول ۱. مولفه های اخلاق حرفه ای در تراز نهج البلاغه

مقبولیت معلم	محبوبیت معلم
اندیشه و دانش معلم	تحمل و بردباری
جسارت گفتن (نمی دانم)	مردمی بودن
تجربه اندوزی	نه منفعل و نه سختگیر
نقدپذیری	آشنایی با فرصت های آموزشی و تربیتی
مطالعه و دانش افزایی	وفاداری و تعهد
فطرت گروهی	جذابیت معلم

نام خدا را بیاموزد، خداوند، معلم و کودک و همچنین پدر و مادر او را از عذاب مصون می‌دارد» [۱۲]. این پاداش تنها در مورد آموزش نام خداست، یقیناً انتقال معرفت الهی و وظایفی که در قبال حق بر عهده انسان‌هاست، به‌مراتب پاداش‌هایی بیشتر و ثمراتی عمیق‌تر در پی خواهد داشت و معلمین در هر رشته تحصیلی که مشغول به تدریس هستند، نباید از آن غافل بوده و از آموزش و اشاره بدان‌ها سرباز زنند؛ البته مبانی تربیتی باید از طریق کاربرد صحیح روش‌های تربیتی (قدم دوم) انتقال پیدا کند و روش‌های تربیت در نهج‌البلاغه بیش از آنکه ناظر بر فعالیت از جانب معلم باشد، ناظر به تمرینی است که متری جهت خودفعالی انجام می‌دهد تا به هدف خود برسد. این رویکرد نسبت به روش‌ها، از این اصل تربیتی سرچشمه می‌گیرد که «تا خود انسان نخواهد، تربیت نمی‌شود و درنهایت این اراده افراد است که راه آنها را در طریق شقاوت یا سعادت تعیین می‌کند». در ادامه به اهم مبانی و روش‌های تعلیم و تربیت که در دو

### فعالیت‌های اصلی معلم

انتقال مبانی شناختی که اولین قدم از فعالیت‌های رسمی معلم است در قالب محتوی برنامه و به زبان خود شاگردان صورت می‌گیرد تا فهم لازم برای عمل به مبانی از سوی شاگردان صورت پذیرد. همان‌گونه که در آیه چهارده سوره ابراهیم آمده است: «هیچ پیامبری را جز به زبان مردم خود نفرستادیم تا بتواند (دین خدا را) به‌روشنی ابلاغ کند»<sup>۶۲</sup>؛ یا اینکه امام رضا (ع) تأکید می‌کند: «با مردم به‌اندازه‌ای که می‌توانند شناخت، سخن بگو و آنچه را که نمی‌توانند دانست رها کن» [۱۱]. نهج‌البلاغه سرشار از مبانی تربیتی و اعتقادات و باورهایی است که معلمان باید بدان‌ها معتقد و متصل بوده و آنها را به شاگردان خود انتقال دهند؛ البته جهت‌گیری همه مبانی به یک مبانی اصلی که همانا توحید است، بازمی‌گردد.

اهمیت مبانی توحیدی و انتقال آن به فراگیران بدان جاست که در روایتی از پیامبر اکرم (ص) آمده است «وقتی معلم به کودک

به این مبنا ممکن است موانع درونی و تهدیدات بیرونی ظاهر شوند که امام علی (ع) بزرگ‌ترین مانع را تکبر و غرور و بزرگ‌ترین تهدید را شیطان می‌داند (نهج‌البلاغه، خطبه قاصعه<sup>۶۵</sup>). به جهت اینکه «شیطان مردم را از معرفت خداوند بازمی‌دارد و از پرستش او جدا می‌کند»<sup>۶۶</sup>؛ از این رو باید با تذکر و تمرین این موانع و تهدیدات برطرف شوند و تفکر، عبادت، تمرین تواضع و اندرز نیکو، برخی از روش‌هایی است که می‌تواند انسان را در شناخت خداوند و بندگی و اطاعت او سوق دهد و دستیابی به مبنای توحیدی را تسهیل نماید. دیگر مبنای و روش‌های تربیتی نیز به هم مرتبط بوده و به‌طور زنجیروار فرایندهای تربیتی را شکل می‌دهند. این هنر مربی است که بتواند ریشه عدم دستیابی به مبنای تربیتی را به‌درستی بشناسد و بهترین روش‌ها را در جهت برون‌رفت از آنها به‌کار گیرد تا موانع و تهدیدها به فرصت تبدیل شوند و رسیدن به اهداف تسهیل گردد.

در نهایت و در آخرین قدم از فعالیت‌های اصلی معلم، فرایند ارزشیابی قرار دارد که از نظرات مولای متقیان امام علی(ع) استخراج شده است. ارزشیابی در نظام تربیتی امام علی(ع) عمدتاً از جنبه بیرونی به درونی تغییر می‌یابد و «خودارزشیابی» جای ارزشیابی بیرونی را می‌گیرد؛ چراکه این خود فرد است که بهترین قاضی برای اعمال خویش است و از درون و نیت خود خبر داشته و می‌داند خالصانه عمل نموده است یا نه<sup>۶۷</sup>. مربی نیز می‌تواند نقش کمک‌کننده را در فرایند ارزشیابی ایفا نماید؛ البته از منظر امام، ارزشیابی معلم زمینه‌ای برای بروز خشم و یا خشنودی او نیست، بلکه در راستای جدا شدن حق از باطل است<sup>۶۸</sup> و این غربالگری در امتحانات سخت‌تر، آشکارتر می‌شود<sup>۶۹</sup>. ارزشیابی زیاد و مکرر هم می‌تواند زمینه خالص شدن انسان‌ها را فراهم آورد<sup>۷۰</sup> و پیروزترین افراد، کسانی هستند که بتوانند در اموری که بدان آگاهی ندارند، محک اطاعت و بندگی خود را ثابت کنند<sup>۷۱</sup> (نهج‌البلاغه، خطبه قاصعه). پس از ارزشیابی، زمان اعطای پاداش و عقاب فرا می‌رسد که در این رابطه، صبر و طمأنینه معلم را می‌طلبد که در عقوبت خطاکار تعجیل نکند و با آزمایش مکرر، درون افراد را بروز دهد و آنها را خالص نماید. همچنین پاداش و جزا نسبت به‌سختی و دشواری امتحانات و آزمایش‌ها متفاوت است و از عدل معلم به دور است که به همه به یکسان پاداش دهد و یا عقوبت نماید.

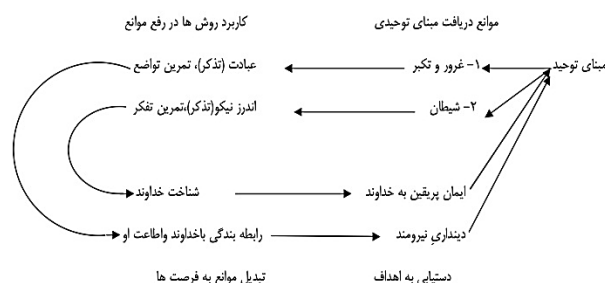
### نتیجه‌گیری:

زمانی که با رویکرد تربیت اخلاقی به نهج‌البلاغه رجوع شود، این نتیجه به‌دست می‌آید که کلام مولای متقیان در سرتاسر نهج‌البلاغه برای تربیت و رشد انسان‌ها است و فضای آن، درس

خطبه اول، خطبه قاصعه و همچنین نامه ۳۱ نهج‌البلاغه آمده، اشاره شده است. انتقال مبانی و کاربرد روش‌ها در راستای رسیدن به اهداف تعلیم و تربیت یعنی قدم سوم فعالیت‌های اصلی معلم که در خطبه همام ذکر شده است؛ البته مبانی‌ای که در ذیل آمده، کلی بوده و هرکدام به مبانی جزئی‌تر و کاربردی‌تر قابل‌تقسیم است. کاربرد مناسب روش‌ها و حدود و صغور آنها نیز باید برای مربی و متربی معلوم باشد؛ مثلاً امام علی (ع) در رابطه با تمرین روش سکوت و حدود آن می‌فرماید: «آنچه نمی‌دانی و یا لازم نیست بگویی، مگویی، آنچه ترس از گمراهی در گفتن آن داری و یا آنچه دوست نداری به تو نسبت دهند در مورد دیگران مگویی. یا آنچه ترس از ریختن آبرو در آن داری و یا سخنان بی‌ارزش و خنده‌آور مگویی»<sup>۶۳</sup>

تشویق به تفکر و عبرت‌گیری از گذشتگان و نگاه به اینکه بر آنها چه گذشته است و به کجا رهسپار شدند و درگذر عمر چه نصیبشان شده است، برطرف نمایند<sup>۶۴</sup> و سعی کنند رویکرد متربی را به زندگی عوض نموده تا تلاش نماید در راستای هدف خلقتش گام بردارد. همچنین مربی می‌تواند با تمرین‌هایی که به متربی می‌دهد صفات رذیله را در او از بین ببرد؛ همچون تمرین تواضع در برابر پدر و مادر، معلم و دوستان، برای از بین بردن صفت رذیله تکبر و غرور بیجا. امام علی(ع) در خطبه قاصعه در راستای جهت‌دهی موانع به سمت فرصت‌ها اشاره می‌کند که «پس اگر در تعصب و ورزیدن ناچارید (مانع) برای اخلاق پسندیده، افعال نیکو و کارهای خوب تعصب داشته باشید، ... یعنی بردباری به هنگام خشم فراوان، کردار و رفتار زیبا و درست و خصلت‌های نیکو.»

نکته دیگری که با نگاه هم‌زمان به جدول یک و دو حاصل می‌شود این است که همه اجزای نظام تعلیم و تربیت با یکدیگر مرتبط و درهم‌تنیده‌اند. می‌توان این درهم‌تنیدگی و ارتباط را در قالب مثال زیر آشکار نمود:



شکل ۱: رابطه مبانی، روش‌ها و اهداف با موانع و فرصت‌های تربیتی (منبع، مولفان)

در توضیح مدل فوق، اولین و اصلی‌ترین مبنای تربیتی، توحید است که همه مبنای تربیتی بدان بازمی‌گردند. در راستای رسیدن

حوزه تخصصی که مشغول به یادگیری هستند، به معارف دینی به عنوان معرفتی ضروری برای زندگی نگاه می‌کنند و هم افرادی متخصص و متعهد بار می‌آیند.

واژه نامه	
1. Approaches	رویکردها
2. Definitions	تعاریف
3. Principles	اصول
4. Objectives	اهداف
5. Methods	روش‌ها
6. Implicit Approach	رویکرد تلویحی و ضمنی
7. Care Approach	پاداش
8. Scientific Approach	رویکرد علمی
9. Values Clarification	تبیین ارزش‌ها
10. Values Analysis	تحلیل ارزش‌ها
11. ethics	اخلاق
12. Professionalism	حرفه ای گری
13. Professional ethics	اخلاق حرفه ای
14. commitment	تعهد
15. expertise	تخصص
16. attachment	تعلق
17. continuity	تداوم
18. evolution	تحول
19. transmutation	تکامل
20. Work ethics	اخلاق کار
21. Islamic Work ethics	اخلاق کار اسلامی
22. Davood Carr	دیوید کار
23. Chen	چن
24. The view of the originality of interest	دیدگاه اصالت نفع
25. Individualism perspective	دیدگاه فرد گرایی
26. Legal-ethical point of view:	دیدگاه حقوقی - اخلاقی
27. Ancient Greek philosophy	فلسفه یونان باستان
	۲۸. حکمت ۹۶
	۲۹. حکمت ۴۳۶
	۳۰. حکمت ۹۶
	۳۱. حکمت ۲۳۲
	۳۲. حکمت ۹۵
	۳۳. حکمت ۷۳
	۳۴. حکمت ۸۱ / ۱۴۸
	۳۵. حکمت ۹۰
	۳۶. حکمت ۹۲
	۳۷. حکمت ۸۵
	۳۸. حکمت ۸۶
	۳۹. حکمت ۵۹
	۴۰. حکمت ۹۴
	۴۱. حکمت ۹۱
	۴۲. حکمت ۱۹۷

عبرت‌گیری و تفکر است؛ گرچه از این جهت بار برخی از خطبه‌ها و نامه‌ها سنگینی بیشتری می‌کند و توشه پربارتری برای انسان حاصل می‌نماید. معلمی ارجمندترین مشاغل است و نمی‌شود و نباید این ارزشمندی را با سنجه‌های مادی و عادی سنجید. جامعه و کارگزاران آن هرچند در این زمینه تکلیفی بایسته دارند تا این نگاه را به معلم و رسالت تعلیم و تربیت اصلاح بکنند؛ اما این معلم است که باید با قدرشناسی و اهمیت دادن به جایگاه شغلی؛ خویش را در مکانت شغل پیامبری (حکمت ۹۶) و هدایت‌گری بدانند و این نگاه بر شخصیت خویش و قدرشناسی از فرصت‌های تربیتی ارزشمندی را ارتقا و زمینه‌های خدمت را فراخ سازد. معلم نه فقط خود باید ارجمند باشد بلکه بکوشد به نگاه جامعه نیز احترام بگذارد و فراتر از شخص به شخصیت خویش معطوف شود تا این نگاه را که مردم خوبی‌ها و شایستگی‌ها و حتی شایستگان را در تراز وجود او می‌سنجند حرمت‌گذاری نماید و از این نگاه پاسداری کند<sup>۷۲</sup>. همانندی شغل معلم با پیامبران؛ قرابت اندیشه و رفتار را اجتناب ناپذیر ساخته و می‌طلبد؛ معلم بسان شمع برای دانش‌آموزان و مخاطبان خویش بسوزد، مهرورزی کند و خوبی و خصلت را محمدی (ص) بنماید<sup>۷۳</sup>. معلم نه فقط به اقتضای شغل خویش حتی در مقام مرجعیت علمی و اجتماعی خویش نزدیک‌ترین‌ها به پیامبران هستند. به دیگر سخن معلم نه تنها در قامت تربیت و حضور در ساحت کتاب و کلاس قرابت با پیامبران دارد؛ بلکه در جایگاه دانای جامعه و محل مراجعه اجتماعی در قامت یک عنصر اجتماعی از نزدیکان پیامبران بشمار می‌آیند<sup>۷۴</sup>. در مجموع نامه ۳۱ نهج‌البلاغه که به حق وصیت امام به فرزندان تاریخ است، نکات تربیت اخلاقی بیشتری نهفته است و الگوی تربیتی و رفتاری مناسبی را به معلمان معرفی می‌کند. آنچه ضروری است که از جانب همه معلمان رعایت شود و در فعالیت‌های خود حتماً لحاظ نمایند، نگاه عام به قرآن و نهج‌البلاغه است؛ یعنی همه معلمان و نه فقط معلمان تربیت دینی و یا اخلاقی، به قرآن و نهج‌البلاغه به عنوان دانش و معرفت عام ضروری کار خویش نگاه کنند و نه تنها به ابعاد مختلف این منابع، اشراف داشته باشند، بلکه سعی نمایند از این معارف به طور مستقیم در محتوی درسی خود استفاده کنند و از این طریق متریبان را به کسب و متصف بودن به چنین معارفی تشویق نمایند؛ یعنی ماحصل این نوع نگاه به منابع دینی این باشد که معلمان اولاً در هر زمینه درسی که مشغول به فعالیت هستند، از معارف اخلاقی خودآگاهی کامل داشته باشند؛ در ثانی از الگوهای تربیتی آنها در راستای اثربخشی کار خویش الهام بگیرند و همچنین خود متصف به معارف و بینش توحیدی لازم باشند. نتیجه اتخاذ این رویکرد از جانب مربیان این خواهد بود که متریبان، هم در هر

- فهرست منابع**
- [1] Curren R. Can Virtue Be Measured? Theory and Research in Education, 2014; 12(3): 266-282
- [2] Tan B, Naidu C, Jamil A. Moral Values and Good Citizens in a Multi-etic, 2017.
- [3] Barrow R. An Introduction to Moral Philosophy and Moral Education. 2010.
- [4] Javadi Amoli A. Principles of Ethics in the Quran. Qom: Esra Publishing Center. 2010.
- [5] Robbins, Stephen P. Organizational Behavior. Translated by Parsians and Arabs. Tehran: Cultural Studies. 2010.
- [6] Rokhman W. The Effect of Islamic Work Ethics on Work Outcomes. Jbus Etics Organ Studies: 2010; 15(1): 21-25.
- [7] Rizk RR. Back to Basics: An Islamic Perspective on Business and Work Ethics. Soc Respons, 2008; 4(2): 54-246
- [8] Yusef DA. Organizationa Commitment as a Mediator of the Relationship between Islamic Ethic and Attitudes toward Organizational Change. Hum Relate. 2000; 53(4): 37-513.
- [9] Pouria Nasab A. Principles of Professional Ethics. 2000.
- [10] Roozbehani MA. Scientific Ethics; The value position and characteristics of the teacher in religious texts. Radio and Television Islamic Research Center, 2009.
- [11] Hakimi B. Translated by Ahmad Aram; Volume 2, Tehran: Islamic Culture Publishing Office. 1995.
- [12] Nouri M, Mirza H. Mustadrak al-Wasa'il and Mustanbat al-Masa'il;
۴۳. حکمت ۱۹۳
۴۴. حکمت ۳۳۸
۴۵. حکمت ۳۲
۴۶. حکمت ۳۵
۴۷. حکمت ۳۳
۴۸. حکمت ۹۱
۴۹. حکمت ۱۹۳
۵۰. حکمت ۱۹۷
۵۱. حکمت ۹۲
۵۲. حکمت ۹۵
۵۳. حکمت ۱۷۶
۵۴. حکمت ۲۴۷
۵۵. حکمت ۲۴۷
۵۶. حکمت ۶۵
۵۷. حکمت ۱۷۷
۵۸. حکمت ۲۱۴
۵۹. حکمت ۱۵۹
۶۰. حکمت ۲۴۷
۶۱. پیامبرانی که کمی آنان و فراوانی مردمی که تکذیبشان می‌کردند آنان را از انجام رسالتشان باز نداشت (خطبه ۱)
۶۲. وَمَا أَرْسَلْنَا مِنْ رَّسُولٍ إِلَّا لِيُبَيِّنَ لِقَوْمِهِ، لِيُبَيِّنَ لَهُمْ
۶۳. نهج البلاغه، (نامه ۳۱)
۶۴. نهج البلاغه، (نامه ۳۱)
۶۵. در اغلب فرازهای این خطبه اشاره شده است
۶۶. نهج البلاغه، خطبه ۱
۶۷. ولی خداوند سبحان چنین خواست که طاعتش تنها برای او صورت گیرد و قصد دیگری با آن در نیامیزد (قاصعه)
۶۸. پس امتحانات الهی را (مال و فرزند) دلیل خشنودی یا خشم خدا ندانید که نشانه ناآگاهی از موارد آزمایش و امتحان خداوند است (قاصعه)
۶۹. و هرچه آزمون بزرگتر باشد، ثواب و پاداش آن فزونتر خواهد بود (قاصعه) مقدار ثواب زیارت خانه خود را به تناسب آسانی آزمایش کاهش می‌داد (قاصعه)
۷۰. اما خداوند سبحان بندگان را با انواع سختی می‌آزماید تا روحیه خاکساری و فروتنی را در جانشان جای دهد
۷۱. خداوند سبحان بندگان خود را به پاره‌ای امور که به اصل و ریشه آن جاهل‌اند می‌آزماید، تا با این آزمون فرمانبرداران را از نافرمانان جدا سازد (قاصعه)
۷۲. (حکمت ۴۳۶).
۷۳. (حکمت ۹۶).
۷۴. (حکمت ۲۳۲).